

Higher Education, Migration, and Unemployment: A Comparative Analysis of Iran and Regional Countries

Ghasem. Azadi Ahmadabadi^{1*}

¹ National Research Institute for Science Policy (NRISP), Tehran, Iran

* Corresponding author email address: azadi@nrisp.ac.ir

Article Info

Article type:

Original Research

How to cite this article:

Azadi Ahmad Abadi, G. (2026). Higher Education, Migration, and Unemployment: A Comparative Analysis of Iran and Regional Countries. *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, 32(2), 29-49.



© 2026 the authors. Published by Institute for Research and Planning in Higher Education (IRPHE), Tehran, Iran. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) License.

ABSTRACT

Higher education, as the most influential institution responsible for achieving national development goals, should critically evaluate its programs, policies, and structures while leveraging the successful experiences of other countries. This study examines university education in Iran and selected regional countries from economic, educational, and social perspectives. This applied research adopts a descriptive-analytical approach, utilizing cross-sectional data from 2014 to 2023. The study employs secondary data analysis, relying on statistics and information from national and international institutions. The research focuses on Iran, Saudi Arabia, Turkey, Pakistan, and the United Arab Emirates (UAE). In all studied countries (except for minor fluctuations), the share of higher education expenditure in GDP has generally declined. The UAE exhibits the highest fluctuations in net higher education enrollment, reflecting rapid policy shifts. In contrast, Pakistan and Saudi Arabia show the most stable trends, while Iran and Turkey have experienced declines since 2019. The highest unemployment rates are observed in Iran, followed by Turkey, Pakistan, Saudi Arabia, and the UAE. The UAE and Saudi Arabia lead in attracting foreign students, indicating active university internationalization policies and investments in globally competitive higher education. Conversely, Iran and Pakistan have the lowest rates, likely due to political-economic constraints and inadequate infrastructure for international students. In Saudi Arabia and the UAE, strong correlations exist between higher education budgets, enrollment rates, immigration policies, and unemployment reduction. In Iran and Turkey, enrollment and unemployment are closely linked, yet policies have failed to curb unemployment effectively. Pakistan shows no significant relationship between these variables. The interplay between higher education and economic indicators is heavily influenced by national policy frameworks. Countries with cohesive strategies (e.g., Saudi Arabia and the UAE) demonstrate greater success, whereas others face structural inefficiencies. Key recommendations include: reforming higher education to align with labor market demands; supporting startups and private-sector collaboration; developing national employment policies through university-industry partnerships; diversifying economies to reduce reliance on natural resources; and fostering innovation-driven industries.

Keywords: Higher education, policy evaluation, educational policies, education, immigration, unemployment



تاریخچه مقاله

دریافت شده در تاریخ ۱۰ تیر ۱۴۰۴

پذیرفته شده در تاریخ ۲ آبان ۱۴۰۴

منتشر شده در تاریخ ۱ تیر ۱۴۰۵

فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی

دوره ۳۲، شماره ۲، صفحه ۴۹-۲۹



شاپای الکترونیکی: ۲۲۰۱-۲۷۱۷

تحصیلات، مهاجرت و بیکاری: نگاهی به آموزش عالی در ایران و برخی از کشورهای منطقه

قاسم آزادی احمدآبادی^۱ *

۱. استادیار، گروه پژوهشی ارزیابی سیاست‌ها و پایش علم، فناوری و نوآوری، مؤسسه تحقیقات سیاست علمی کشور، تهران، ایران

* ایمیل نویسنده مسئول: azadi@nrsp.ac.ir

اطلاعات مقاله

چکیده

نوع مقاله

پژوهشی اصیل

نحوه استناد به این مقاله:

آزادی احمدآبادی، قاسم. (۱۴۰۵). تحصیلات، مهاجرت و بیکاری: نگاهی به آموزش عالی در ایران و برخی از کشورهای منطقه. فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، ۳۲(۲)، ۴۹-۲۹.



© ۱۴۰۵ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY 4.0) صورت گرفته است.

آموزش عالی، به‌عنوان اثرگذارترین نهاد مسئول در دستیابی به اهداف توسعه ملی، باید در برنامه‌ها، سیاست‌ها و ساختارهای خود بازنگری کند و از تجارب موفق سایر کشورها نیز بهره‌گیری کند. هدف پژوهش بررسی تحصیلات دانشگاهی در کشور ایران و برخی از کشورهای منطقه از جنبه‌های اقتصادی، آموزشی و اجتماعی بود. این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر روش، جزء مطالعات توصیفی تحلیلی است. داده‌ها به‌صورت مقطعی برای بازه ۲۰۱۴ تا ۲۰۲۳ در نظر گرفته شد. پژوهش با روش تحلیل داده‌های ثانویه انجام شد و متکی به تحلیل آمار و اطلاعاتی است که از نهادهای ملی و بین‌المللی حاصل شد. جامعه پژوهش کشورهای ایران، عربستان سعودی، ترکیه، پاکستان و امارات متحده عربی هستند. در تمام کشورها، بجز نوسانات جزئی، روند کلی سهم بودجه آموزش عالی از GDP کاهش یافته است. کشور امارات بیشترین نوسان را از نظر نرخ خالص ثبت نام در آموزش عالی دارد که نشان‌دهنده تحولات سریع در سیاست‌های آموزش عالی این کشور است. کشورهای پاکستان و عربستان پایدارترین روندها را تجربه کرده‌اند. کشورهای ایران و ترکیه کاهش پس از سال ۲۰۱۹ را پشت سر گذاشته‌اند. بالاترین نرخ بیکاری به ترتیب مربوط به کشورهای ایران، ترکیه، پاکستان و امارات است. کشورهای امارات و عربستان بالاترین جذب دانشجوی خارجی را دارند که نشان‌دهنده سیاست‌های فعال بین‌المللی‌سازی دانشگاه‌ها و سرمایه‌گذاری در آموزش عالی جذاب برای خارجیان است. کشورهای ایران و پاکستان کمترین نرخ را دارند که احتمالاً به دلیل محدودیت‌های سیاسی اقتصادی و ضعف زیرساخت‌های پذیرش دانشجوی بین‌المللی است. کشورهای عربستان و امارات روابط قوی و معنادار بین بودجه، ثبت نام، مهاجرت و کاهش بیکاری دارند. در کشورهای ایران و ترکیه رابطه قوی بین ثبت نام و بیکاری وجود دارد، اما سیاست‌ها نتوانسته‌اند بیکاری را کاهش دهند. برای کشور پاکستان هیچ رابطه معناداری بین متغیرها یافت نشد. ارتباط بین شاخص‌های آموزشی و اقتصادی به سیاست‌های کلان هر کشور بستگی دارد. کشورهایی که سیاست‌های یکپارچه دارند، موفق‌تر عمل کرده، در حالی که سایر کشورها با چالش‌های ساختاری مواجه‌اند. اصلاح نظام آموزش عالی برای تطبیق با نیازهای صنعت، حمایت از استارت‌آپ‌ها و بخش خصوصی، طراحی سیاست‌های ملی اشتغال با مشارکت بخش خصوصی و دانشگاه‌ها و کاهش وابستگی به منابع طبیعی و توسعه صنایع نوین از جمله راهبردهای مؤثر در این زمینه است.

کلیدواژگان: آموزش عالی، ارزیابی سیاست، سیاست‌های آموزشی، تحصیلات دانشگاهی، مهاجرت، بیکاری.



مقدمه

به‌طور کلی، یکی از نیازهای جدی زندگی در دنیای پرشتاب امروز که سرعت تحولات و دگرگونی‌های آن در تمام قرون و اعصار بشر بی‌سابقه است، شکل دادن به تحولات و نوآوری در نظام آموزش عالی است. در تعریفی کلی، آموزش عالی به نوعی از آموزش‌ها گفته می‌شود که برای بالا بردن سطح مهارت‌های کاربردی افراد، تأمین نیروی انسانی متخصص، توسعه میراث فرهنگی، خلق افکار تازه و ایجاد روحیه پژوهش ارائه می‌شود. آموزش عالی صنعتی جهانی است که در تمام کشورهای توسعه‌یافته و در بیشتر کشورهای در حال توسعه با زمینه‌ها و مقاصد مختلف وجود دارد (Lane, 2011). بنابراین، آموزش عالی با پرورش سوژه‌ها سروکار دارد. این امر مستلزم اتخاذ راهبردهای عملیاتی است که در مقوله سیاست آموزشی نمود می‌یابد. سیاست آموزشی به مجموعه سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌هایی گفته می‌شود که دولت برای گسترش آموزش همگانی به‌منظور توانمندسازی افراد و توسعه شخصی آنان با هدف کاهش نابرابری و انسجام اجتماعی اتخاذ می‌کند (Saei et al., 2012).

آموزش عالی محرک مهمی برای رشد اقتصادی است و نیروی کار ماهر ضروری برای اقتصادهای مدرن را فراهم می‌کند (Pee & Vululleh, 2020). این امر با پیوند دادن دانشگاه‌ها با اقتصادهای محلی، افزایش چشم‌انداز شغلی برای دانش‌آموختگان و بسیج بازارهای محلی، به توسعه جامعه کمک می‌کند. برای مثال، مطالعات نشان می‌دهد که آموزش عالی می‌تواند به ایجاد شغل و تحول اقتصادی در جوامع کمک کند، به‌ویژه در مناطقی که دانش‌آموختگان به‌طور چشمگیر بر پویایی بازار محلی و فرصت‌های شغلی تأثیر گذاشته‌اند (Khalafollah, 2021).

با این حال، مسئله اصلی در نظام آموزش عالی، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه مانند ایران و همسایگان آن، ناهمخوانی میان گسترش کمی آموزش و کیفیت و تأثیر واقعی آن بر توسعه اقتصادی-اجتماعی است. برای نمونه، در حالی که نرخ ثبت نام در آموزش عالی در خاور میانه و جنوب آسیا افزایش یافته (مانند نرخ ۵۸ درصدی در کشور ترکیه و بیش از ۴۰ درصدی در کشور عربستان سعودی بر اساس آمار بانک جهانی در سال ۲۰۲۴)، این گسترش اغلب با چالش‌هایی مانند بیکاری دانش‌آموختگان (نرخ بیکاری جوانان در کشور پاکستان حدود ۱۰ درصد و در کشور ایران بیش از ۲۵ درصد) و نابرابری اجتماعی همراه است. همچنین رتبه‌بندی‌های جهانی نشان‌دهنده شکاف‌های کیفی است: طبق رتبه‌بندی تایمز در سال ۲۰۲۵، کشورهای عربستان سعودی و امارات متحده عربی برای نخستین بار وارد ۲۰۰ دانشگاه برتر جهان شده‌اند، در حالی که کشور ایران با وجود پیشرفت در دانشگاه‌های جوان (دومین رتبه میان کشورهای اسلامی در رتبه‌بندی دانشگاه‌های جوان در سال ۲۰۲۴، هنوز در رتبه‌بندی کلی جهانی جایگاه پایین‌تری دارد. این مسئله، ضرورت تحول ساختاری را برجسته می‌کند، زیرا آموزش عالی نه تنها به رشد GDP کمک می‌کند (با بازگشت سرمایه حدود ۱۷ درصدی بر اساس گزارش‌های بانک جهانی)، بلکه در کاهش نابرابری اجتماعی و تقویت انسجام فرهنگی نقش کلیدی دارد، اما در منطقه خاورمیانه اغلب با تناقضی مواجه است که گسترش آموزش با بیکاری و مهاجرت مغزها همراه می‌شود (World Population Review, 2025).

مطالعات نشان می‌دهند که کشورهایی با نظام آموزش عالی قوی، عملکرد بهتری در شاخص‌های توسعه انسانی دارند. بر اساس گزارش سازمان ملل، کشورهایی مانند فنلاند و کره جنوبی که نظام آموزش عالی آنها به‌طور متعادل بر ابعاد اقتصادی، آموزشی و اجتماعی تمرکز دارد، در رتبه‌های بالایی از شاخص‌های توسعه انسانی قرار دارند. همچنین بر اساس تحقیقات انجام‌شده توسط بانک جهانی (World Bank, 2021)، دسترسی گسترده به آموزش عالی می‌تواند به کاهش نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی کمک کند. این موضوع در کشورهایی مانند امارات و عربستان که به‌تازگی به توسعه نظام آموزش عالی پرداخته‌اند، بیشتر نمایان است.

رسالت آموزش عالی به‌عنوان متفکرترین نهاد مسئول در قبال تحقق آرمان‌های توسعه ملی ایجاب می‌کند که به برنامه‌ها، اقدامات و ارکان خود توجه کند و از تجارب زیسته سایر کشورها نیز در این خصوص بهره‌برد. از سوی دیگر، بر اساس تعهدات سند چشم‌انداز بیست ساله،



جمهوری اسلامی ایران در صدد است تا با برنامه‌ریزی و توسعه نظام آموزش عالی به رتبه اول منطقه در تولید علم دست یابد. به منظور تحقق این هدف به پایش سیاست‌های کلان و وضعیت آموزش عالی کشورهای جهان و مقایسه و تطبیق آن با وضعیت آموزش عالی ایران نیاز است. به‌طور خلاصه، ضرورت تجزیه و تحلیل و مقایسه آموزش عالی از دیدگاه‌های اقتصادی، آموزشی و اجتماعی با تأثیر جامع آن بر زندگی فردی و توسعه جامعه برجسته می‌شود. درک این ابعاد، امکان سیاست‌گذاری و شیوه‌های آموزشی بهتری را فراهم می‌کند که با نیازهای جامعه و اقتصاد همسو باشند.

در حالی که اغلب بر مزایای اقتصادی آموزش عالی تأکید می‌شود، ضروری است که در نظر داشته باشیم نقش‌های اجتماعی و آموزشی آن نیز به همان اندازه مهم هستند. رویکرد متعادلی که به همه جنبه‌های آموزش دانشگاهی اهمیت می‌دهد، برای پرورش یک جامعه همه‌جانبه ضروری است. بر این اساس، در پژوهش حاضر تلاش شد تا تحصیلات دانشگاهی در کشور ایران و کشورهای ترکیه، عربستان سعودی، پاکستان و امارات متحده عربی از جنبه‌های اقتصادی، آموزشی و اجتماعی بررسی و مقایسه شود.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

تحلیل و بررسی سیاست‌های آموزش عالی نیازمند توجه به نظریه‌ها و رویکردهای مختلف در حوزه‌های اقتصاد آموزش، جامعه‌شناسی آموزش، فلسفه آموزش و مدیریت آموزش عالی است. این مبانی نظری کمک می‌کنند تا سیاست‌های آموزش عالی در چارچوبی علمی و نظام‌مند تحلیل شوند. در ادامه، به برخی از مهم‌ترین مبانی نظری مرتبط با سیاست‌های آموزش عالی و ارتباط آن با شاخص‌های مورد مطالعه در این پژوهش اشاره شده است.

۱. نظریه سرمایه انسانی^۱

نظریه سرمایه انسانی که گاری بکر^۲ و تئودور شولتز^۳ آن را توسعه داده‌اند، آموزش عالی را به‌عنوان یک سرمایه‌گذاری در نظر می‌گیرد که بازده اقتصادی و اجتماعی به همراه دارد. به دنبال افزایش جمعیت دارای تحصیلات متوسطه و افزایش تقاضا برای نیروی انسانی تحصیل کرده در دهه ۱۹۵۰، در دهه ۱۹۶۰ عرضه و تقاضا برای آموزش عالی در رشته‌های مختلف بسیار افزایش یافت. اولین عکس‌العمل اقتصاددانان به این تغییر، طرح نظریه سرمایه انسانی بود. به‌طوری که شولتز در اواخر دهه ۱۹۵۰ در مقاله‌ای با عنوان «سرمایه‌گذاری در انسان» مفهوم سرمایه انسانی^۴ را توسعه داد و روش‌های سرمایه‌گذاری در آن را مطرح کرد (Entezari & Mohammadnezhad Alizamini, 2023).

آموزش عالی از یک‌سو، به‌عنوان منشأ مهم توسعه سرمایه انسانی مورد نیاز جامعه، سال‌هاست که در کانون توجه جوامع است. از سوی دیگر، نهادهای آموزش عالی افزون بر تربیت سرمایه‌های انسانی مورد نیاز جامعه، از طیف گسترده‌ای از سرمایه‌های انسانی از جمله رؤسا، مدیران، کارکنان، اعضای هیئت علمی و غیره بهره می‌برند. لذا، توسعه سرمایه انسانی در نهادها و مراکزی که نیروی انسانی شاغل در آنها متولی و عهده‌دار آموزش و توسعه در کشور هستند، بسیار حیاتی و راهبردی است (Sadr et al., 2024). طبق این نظریه، سرمایه‌گذاری در آموزش و پرورش به افزایش توانایی‌های فردی و بهبود عملکرد اقتصادی منجر می‌شود. ارتباط مستقیمی بین میزان تحصیلات و بهره‌وری در بازار کار و کسب درآمد وجود دارد.

-
1. Human Capital Theory
 2. Gary Becker
 3. Theodore Schultz



جدول ۱

ارتباط نظریه سرمایه انسانی با شاخص‌های مورد مطالعه

ارتباط	شاخص
مستقیم: بالاترین تحصیلات دانشگاهی = سرمایه انسانی بیشتر	میزان تحصیلات دانشگاهی
مستقیم: سرمایه انسانی → بهره‌وری → افزایش GDP	سهم بودجه آموزش عالی از GDP
مستقیم: افزایش مثبت نام = افزایش سرمایه انسانی	نرخ خالص مثبت نام در آموزش عالی
معکوس: نظریه پیشنهاد می‌دهد که سطح تحصیلات بالاتر = کاهش بیکاری، اما در عمل ممکن است ناهمخوانی وجود داشته باشد	نرخ بیکاری دانش‌آموختگان
غیرمستقیم: اگر فرصت‌های شغلی داخلی محدود باشد، سرمایه انسانی به خارج مهاجرت می‌کند (مهاجرت مغزها)	نرخ مهاجرت تحصیلی

۲. نظریه نابرابری آموزشی^۱

نظریه نابرابری آموزشی به بررسی عوامل ایجاد نابرابری در دسترسی به آموزش عالی و تأثیر آن بر ساختار اجتماعی می‌پردازد. نظریه‌پردازانی مانند پیر بوردیو^۲ و ساموئل بولز^۳ در این حوزه کار کرده‌اند. نابرابری آموزشی یکی از چالش‌های اساسی در نظام‌های آموزشی معاصر است که تأثیرات عمیقی بر فرصت‌های تحصیلی و حرفه‌ای افراد دارد. این نابرابری‌ها بر اثر عوامل مختلفی از جمله وضعیت اقتصادی، موقعیت جغرافیایی، جنسیت و قومیت ایجاد می‌شود. نابرابری آموزشی می‌تواند به کاهش موقعیت‌های تحصیلی و شغلی افراد منجر شود (Hossein Zehi et al., 1403). هنگامی که درباره نابرابری یا برابری بحث می‌شود، منظور نابرابری فرصت بین زنان و مردان در برخورداری از آموزش، نابرابری بین اقلیت‌های مذهبی یا نابرابری در دسترسی به امکانات آموزشی در بین مناطق مختلف کشور است (Unesco, 2009). دسترسی به آموزش عالی موضوعی بسیار قابل تأمل همراه با پیامدهای مستقیم در سیاست‌های آموزشی، توسعه بازار کار و کیفیت زندگی است. هر کجا که نابرابری‌های آموزشی به حد اعلائی خود برسد، آهنگ توسعه رو به کاهش خواهد گذاشت (Najjari & Hassani, 2019). در مجموع، این نظریه بر نابرابری‌های موجود در دسترسی به آموزش تأکید دارد، به طوری که نهادهای اجتماعی و اقتصادی می‌توانند شکاف‌هایی در زمینه تحصیلات و اشتغال ایجاد کنند.

جدول ۲

ارتباط نظریه نابرابری آموزشی با شاخص‌های مورد مطالعه

ارتباط	شاخص
مستقیم: نابرابری در دسترسی → تفاوت در میزان تحصیلات	میزان تحصیلات دانشگاهی
مستقیم: عدم تخصیص عادلانه بودجه = نابرابری بیشتر	سهم بودجه آموزش عالی از GDP
مستقیم: نابرابری در دسترسی به آموزش عالی	نرخ خالص مثبت نام در آموزش عالی
مستقیم: دانش‌آموختگان از محیط‌های نابرابر ممکن است بیکاری بیشتری داشته باشند	نرخ بیکاری دانش‌آموختگان
مستقیم: افراد از مناطق محروم به دنبال آموزش بهتر مهاجرت می‌کنند	نرخ مهاجرت تحصیلی

1. Educational Inequality Theory
2. Pierre Bourdieu
3. Samuel Bowles





۳. نظریه جهانی سازی و آموزش عالی^۱

نظریه جهانی سازی و آموزش عالی به تأثیر فرایند جهانی سازی بر آموزش عالی می‌پردازد. نظریه پردازانی مانند فیلیپ آلتباخ^۲ و جین نایت^۳ در این حوزه کار کرده‌اند. فیلیپ آلتباخ (۲۰۰۴) یکی از بنیان‌گذاران و صاحب‌نظران برجسته در حوزه آموزش عالی جهانی است. او به‌طور گسترده درباره تأثیر جهانی سازی بر نظام‌های آموزش عالی، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه، نوشته است. دیدگاه‌های کلیدی وی به شرح زیر است:

- جهانی سازی آموزش عالی به همجوشی و همگونی منجر نمی‌شود، بلکه باعث تفاوت‌های ساختاری و نظامی بیشتر بین کشورهای غنی و فقیر می‌شود؛
 - وجود داشتن یک «مرکز و پیرامون» در دنیای دانشگاه‌ها: کشورهای مرکزی (مانند ایالات متحده و کشورهای اروپایی) در تولید دانش، نشریات علمی و استانداردهای آموزشی نقش عمده‌ای دارند، در حالی که کشورهای پیرامونی (در حال توسعه) نقش دریافت‌کننده را ایفا می‌کنند؛
 - مطرح کردن مفهوم «دانشگاه جهانی»^۴ که گاهی موجب افزایش نابرابری بین دانشگاه‌ها و کشورها می‌شود.
 - جین نایت (۲۰۰۳) یکی از متخصصان برجسته در زمینه بین‌المللی سازی آموزش عالی^۵ است که دیدگاه‌های کلیدی وی به قرار زیر است:
 - مطرح کردن مفهوم «بین‌المللی سازی درونی»^۶: گنجاندن دیدگاه‌های بین‌المللی و بین فرهنگی در برنامه‌های درسی بدون اینکه لزوماً دانشجو یا استادی از کشور دیگری بیاید؛
 - تمایز بین جهانی سازی^۷ و بین‌المللی سازی^۸:
 - جهانی سازی: فرایند پویای اجتماعی-اقتصادی است که انسان‌ها، ایده‌ها و دانش را در سطح جهانی به هم متصل می‌کند.
 - بین‌المللی سازی: واکنش سازمانی و آگاهانه به جهانی سازی، به‌ویژه در محیط‌های دانشگاهی است.
 - تأکید بر راهبردهای محلی-جهانی^۹ در آموزش عالی: تلفیق فرایندهای جهانی با شرایط محلی.
- مودلسکی^{۱۰} (۲۰۰۷) جهانی شدن را به‌صورت فرایند بین‌المللی شدن پویا توصیف کرده است که به‌عنوان چالشی برای ورود کشورها و مؤسسات به عرصه رقابت‌های اقتصادی جهانی عمل می‌کند. وی بر این باور است که در سطح دانشگاهی مفهوم «جهانی شدن» اغلب به‌جای «بین‌المللی شدن» به کار می‌رود؛ این فرایند فقط بر برنامه‌های درسی، اعضای هیئت علمی و دانشجویان تأثیر نمی‌گذارد، بلکه به تغییرات ساختاری در نظام دانشگاهی نیز منجر می‌شود. درنهایت، جهانی شدن به وجود آمدن بازارهای جهانی و انتقال دانش و فناوری را تسهیل می‌کند. این نظریه می‌تواند توضیح دهد که چگونه کشورها برای جذب دانشجویان بین‌المللی و افزایش رقابت آموزشی و بودجه اختصاص یافته به آموزش عالی تلاش می‌کنند.

1 . Globalization and Higher Education Theory

2 . Philip Altbach

3. Jane Knight

4. World-Class University

5. Internationalization of Higher Education

6. Internationalization at Home

7. Globalization

8. Internationalization

9. Glocalization

10. Modelski



جدول ۳

ارتباط نظریه جهانی‌سازی و آموزش عالی با شاخص‌های مورد مطالعه

شاخص	ارتباط
میزان تحصیلات دانشگاهی	مستقیم: دسترسی به آموزش جهانی = افزایش کیفیت و میزان تحصیلات
سهم بودجه آموزش عالی از GDP	غیرمستقیم: فشار بر کشورها برای افزایش بودجه به منظور رقابت جهانی
نرخ خالص ثبت نام در آموزش عالی	مستقیم: جهانی‌سازی = افزایش فرصت‌های آموزشی
نرخ بیکاری دانش‌آموختگان	غیرمستقیم: دانش‌آموختگان با مهارت جهانی شده ممکن است قابلیت استخدام بیشتری داشته باشند
نرخ مهاجرت تحصیلی	مستقیم: جهانی‌سازی = افزایش حرکت دانشجویان و استادان بین کشورها

۴. نظریه اقتصاد دانش‌بنیان^۱

نظریه اقتصاد دانش‌بنیان بر نقش آموزش عالی در توسعه اقتصاد دانش‌بنیان تأکید دارد. اقتصاد دانش‌بنیان از کلان روندهای جهانی مرتبط با آموزش عالی و پارادایمی است که به تأثیر و اهمیت نفوذ دانش و فناوری در پیکره یک اقتصاد می‌پردازد. در این نوع اقتصاد، دانش و نوآوری از نظر کمی و کیفی اهمیت بسیاری دارد (Hoshdar et al., 2019). یکی از ملزوماتی که در اقتصاد دانش‌بنیان وجود دارد، آموزش است. برای ورود نیروی کار به اقتصاد دانش‌بنیان و تعمیق و نهادینه کردن دانش در اجتماع باید برنامه‌ریزی و یادگیری مداوم و آموزش‌های لازم در دانشگاه در سطوح عالی و بین قشرهای جامعه فراگیر شود تا با تربیت نیروی انسانی به‌عنوان اساسی‌ترین پیش‌نیاز، زمینه اولیه بسط و گسترش دانش و به‌کارگیری آن در زندگی اقتصادی و اجتماعی افراد فراهم شود (Yazdani & Nili Ahmadabadi, 2016). آموزش دانشگاهی مبتنی بر اقتصاد دانش‌بنیان با لوازمی که دارد، موجب می‌شود که پرورش ایده‌ها به‌منظور مرتفع ساختن نیازمندی‌ها در هسته‌های فناور شکل بگیرد و درنهایت، تولید و تجاری‌سازی محصولات و خدمات در واحدهای فناور و شرکت‌های دانش‌بنیان دانشگاه و حوزه فعالیت آنها افزایش یابد. این شرایط به افزایش ارتباط دانشگاه با صنعت و جامعه می‌انجامد (Karimi et al., 1402). به‌طور کلی، این نظریه بر نقش دانش و اطلاعات در رشد اقتصادی تأکید دارد. کشورهایی که دارای تحصیلات عالی و نیروی کار دارای مهارت هستند، در ایجاد نوآوری و رشد اقتصادی بیشتر موفق‌ترند.

جدول ۴

ارتباط نظریه اقتصاد دانش‌بنیان با شاخص‌های مورد مطالعه

شاخص	ارتباط
میزان تحصیلات دانشگاهی	مستقیم: نیروی متخصص لازم است
سهم بودجه آموزش عالی از GDP	مستقیم: بودجه بیشتر = پشتیبانی از تحقیق و توسعه
نرخ خالص ثبت نام در آموزش عالی	مستقیم: نیاز به متخصصان بیشتر
نرخ بیکاری دانش‌آموختگان	غیرمستقیم: در صورت ناهمخوانی میان نیاز بازار کار و برنامه‌های آموزشی، ممکن است بیکاری وجود داشته باشد
نرخ مهاجرت تحصیلی	غیرمستقیم: کشورهای با اقتصاد دانش‌بنیان جذابیت بیشتری برای مهاجرت تحصیلی دارند

۵. نظریه عدالت آموزشی^۲

1. Knowledge-Based Economy Theory
2. Educational Justice Theory





نظریه عدالت آموزشی به بررسی عدالت در دسترسی به آموزش عالی و تأثیر آن بر جامعه می‌پردازد. نظریه‌پردازانی مانند جان رالز^۱ و آمارتیا سن^۲ در این حوزه کار کرده‌اند. برابری آموزشی به معنای سطح تحصیلات یکسان برای همه نیست، بلکه مفهومی است که بیانگر وجود داشتن فرصت‌های آموزش یکسان و کیفیت و فرایند آموزش یکسان از نظر ساختاری و محتوایی و توزیع متوازن امکانات و فضاهای آموزشی میان گروه‌های مختلف در مناطق مختلف است (Jalaeian Bakhshande & Gholami, 2022).

عدالت آموزشی را از سه منظر می‌توان مد نظر قرار داد: ۱. توزیع منصفانه و عادلانه منابع و فرصت‌های آموزشی؛ ۲. تربیت افرادی عدالت‌محور؛ ۳. تولید دانش‌های ضروری در جهت ایجاد ساختارهای عدالت‌محور و سازوکارهای عادلانه توسعه (Yarigholi & Zarghami, 2014). از دیدگاهی دیگر می‌توان گفت که عدالت آموزشی به موارد زیر اشاره دارد:

۱. یک فرایند است؛ ۲. به دنبال توزیع یا بازتوزیع منابع، امکانات و فرصت‌هاست؛ ۳. محدودیت‌های تربیتی (آموزشی) و ریشه‌ها و عوامل بی‌عدالتی آموزشی را به چالش می‌کشد؛ ۴. به دنبال تقویت توانایی‌ها و قابلیت‌های افراد است؛ ۵. با انجام دادن موارد قبلی، زمینه مشارکت اجتماعی داوطلبانه را در میان افراد فراهم می‌کند (Jafari et al., 1400).

در مجموع، این نظریه بر لزوم دسترسی برابر به آموزش تأکید دارد و به تحلیل مسائلی می‌پردازد که موجب دسترسی نداشتن برخی از گروه‌ها به آموزش عالی می‌شود. این موضوع بر ثبت نام و مشارکت در آموزش عالی تأثیر می‌گذارد.

جدول ۵

ارتباط نظریه عدالت آموزشی با شاخص‌های مورد مطالعه

ارتباط	شاخص
غیرمستقیم: عدالت آموزشی = افزایش میزان تحصیلات در تمام لایه‌ها	میزان تحصیلات دانشگاهی
مستقیم: عدالت نیازمند سرمایه‌گذاری عادلانه است	سهم بودجه آموزش عالی از GDP
مستقیم: عدالت آموزشی = افزایش ثبت نام در لایه‌های مختلف	نرخ خالص ثبت نام در آموزش عالی
غیرمستقیم: عدالت آموزشی = هماهنگی بیشتر با نیازهای بازار کار	نرخ بیکاری دانش‌آموختگان
غیرمستقیم: اگر عدالت در داخل وجود داشته باشد، مهاجرت کمتر می‌شود	نرخ مهاجرت تحصیلی

۶. نظریه آموزش عالی و توسعه پایدار^۳

نظریه آموزش عالی و توسعه پایدار به نقش آموزش عالی در تحقق اهداف توسعه پایدار می‌پردازد. نظریه‌پردازانی مانند دیوید اور^۴ و استفان استرلینگ^۵ در این حوزه کار کرده‌اند. نهاد یونسکو (۲۰۰۹) آموزش را یکی از ارکان پیشرو در نهادینه سازی توسعه پایدار به منظور توسعه منابع انسانی در جامعه به شمار آورده و آموزش عالی را به عنوان موتور پیشران در مسیر توسعه پایدار معرفی کرده است. از دیدگاه والز (۲۰۰۹) مهم‌ترین مفاهیم کلیدی آموزش در دستیابی به توسعه پایدار شامل آگاهی، دیدگاه ملی و جهانی، مسئولیت‌پذیری، یادگیری برای تغییر و مشارکت، یادگیری مادام‌العمر، رهیافت کل‌نگر، تصمیم‌گیری چندتخصصی و حل مسئله است.

1. John Rawls
2. Amartya Sen
3. Higher Education and Sustainable Development Theory
4. David Orr
5. Stephen Sterling



درواقع، فلسفه و هدف آموزش عالی تربیت انسان پایدار است، انسانی که مصرف‌کننده صرف نباشد و مصلحت‌های نسل‌های آینده را در کنش خود با طبیعت و جامعه لحاظ کند. دانش‌آموخته موفق در آموزش عالی باید واجد صلاحیت‌های پایداری باشد و به‌ویژه توانمندی تلفیق همه ابعاد پایداری را دانش و منش خود کسب کند. دانشگاه کانون هنجارهای عالی به‌منظور بهبود زندگی و حفظ پویایی و نشاط در جامعه است (Zakrsalehi, 2018). درواقع، نظام آموزش عالی در فرایند توسعه ملی و ایجاد تعادل بین جنبه‌های مختلف توسعه‌یافتگی نقش محوری دارد. سرمایه‌گذاری هوشمندانه در این بخش ایجاد امکانات و تسهیلات برای نسل‌های آینده و اقدام صحیح در جهت توسعه علمی کشور به‌شمار می‌آید. همسو با این سرمایه‌گذاری، انتظار معقول و به‌حق جامعه از نظام آموزش عالی، ایفای نقش اصولی و مؤثر در ساختار توسعه پایدار است (Sadeghi et al., 2010).

به‌طور خلاصه، این نظریه به ارتباط آموزش عالی با توسعه اقتصادی، اجتماعی و محیطی می‌پردازد. تأمین بودجه محوری برای آموزش به توسعه پایدار و فرصت‌های شغلی مرتبط است.

جدول ۶

ارتباط نظریه آموزش عالی و توسعه پایدار با شاخص‌های مورد مطالعه

شاخص	ارتباط
میزان تحصیلات دانشگاهی	مستقیم: نیروی متخصص برای توسعه پایدار لازم است
سهم بودجه آموزش عالی از GDP	مستقیم: توسعه پایدار نیازمند سرمایه‌گذاری در آموزش عالی است
نرخ خالص ثبت نام در آموزش عالی	مستقیم: دسترسی گسترده به آموزش عالی = توسعه پایدار
نرخ بیکاری دانش‌آموختگان	غیرمستقیم: توسعه پایدار = فرصت‌های شغلی پایدار برای دانش‌آموختگان
نرخ مهاجرت تحصیلی	غیرمستقیم: کشورهای توسعه‌یافته پایدار جذابیت بیشتری برای مهاجرت تحصیلی دارند

نتایج بررسی‌ها در پایگاه‌های مختلف نشان می‌دهد که پژوهشی که به‌طور منسجم و جامع به بررسی موضوع دانش‌آموختگی و میزان تحصیلات دانشگاهی ایران و سایر کشورها با حجم تولید ناخالص ملی، بررسی رابطه سهم بودجه آموزش عالی از GDP، نرخ خالص ثبت نام در آموزش عالی، نرخ بیکاری دانش‌آموختگان و نرخ مهاجرت تحصیلی پرداخته باشد، یافت نشد. درواقع، این مطالعه از بعد تاریخی، اقتصادی، اجتماعی و آموزشی بر این موضوع تمرکز دارد. با وجود این، تلاش شد تا مطالعاتی که به نوعی به بخشی از این موضوع پرداخته باشند، معرفی می‌شود.

ذاکرسالچی و کیخا (Zakersalehi & Keykha, 2023) به تحلیل و مقایسه سیاست‌ها و اهداف آموزش عالی در کشورهای کانادا، استرالیا، ایتالیا، قطر و امارات متحده عربی پرداختند و تناسب این سیاست‌ها را برای کشور ایران از منظر میزان مطلوبیت و بومی‌سازی آنها بررسی کردند. نتایج نشان داد که کشور استرالیا همسو با رویکردها و سیاست‌های کشورهای مشترک‌المنافع (همسو با بریتانیای کبیر) عمل می‌کند. در این کشورها آموزش عالی به‌مثابه یک صنعت پرسود ظهور یافته و کشور انگلستان رهبر این مجموعه کشورهاست. کشور ایتالیا در چارچوب سیاست‌های اتحادیه اروپا و تحقق فرایند بولونیا رفتار می‌کند. کشور کانادا سیاست‌ها و برنامه‌های خاص خود را دارد و در چارچوب بین‌المللی شدن توانست حتی در دوران کرونا اهداف خود را درباره تحرک بین‌المللی استادان و دانشجویان و کسب ثروت از طریق نوآوری دنبال کند. این کشور قصد دارد در نوآوری پیشرو باشد و هسته مرکزی آن دانشگاه‌ها هستند. کشورهای قطر و امارات به‌دنبال جهش علمی سریع با اتکا به امکانات منطقه‌ای و مشاوره کشورهای آمریکا و انگلستان هستند و نظام آموزش عالی آنها هنوز دولتی است. در پایان، سیاست‌ها و اهداف متنوع این کشورها توسط متخصصان آموزش عالی از نظر میزان مطلوبیت و امکان بومی‌سازی رتبه‌بندی شدند.



هدف مطالعه ذاکر صالحی و کیخا (Zakersalehi & Keykha, 2022) بررسی تطبیقی چشم‌انداز و اهداف آموزش عالی شش کشور جهان (هلند، فرانسه، سنگاپور، مالزی، آفریقای جنوبی و عربستان سعودی) در سطح سیاست‌گذاری کلان بود. بر اساس یافته‌ها از جمله وجوه اشتراک این کشورها توجه به بین‌المللی شدن، دیجیتالی‌سازی، تعمیق نقش دانشگاه‌ها در اقتصاد دانش‌بنیان، سرمایه‌گذاری و ارتقای ظرفیت تحقیقات دانشگاهی و گزینش و مدیریت استعدادها توأم با برنامه‌های سرمایه انسانی دانشگاهیان را می‌توان برشمرد. در بخش وجوه افتراق دورنمای خاص هر کشور برای آموزش عالی آورده شد که بیشتر از سیاست‌ها و نحوه حکمرانی و فضای گفتمانی درون کشورها متأثر می‌شود. در بخش اهداف مشترک نیز می‌توان به برقراری پیوند میان نظام آموزش عالی با بازار کار، توسعه مالی دانشگاه‌ها، خلق و ارتقای مزیت رقابتی میان کشورها، اجرای پژوهش‌های مأموریت‌گرا در حل مسائل ملی و بین‌المللی و ارتقای مستمر کیفیت آموزش عالی با تأکید بر آموزش‌های الکترونیکی اشاره کرد. در زمینه تفاوت‌ها، هر کشور با توجه به ساختار و شرایط بومی خود اهداف متفاوتی را دنبال می‌کند.

هدف پژوهش همتی، قاسمی و منصوری نژاد (Hemmati et al., 2020) بررسی رابطه بین شاخص‌های کمی (کمیت آموزش کمی) و کیفی (کارایی و برابری) آموزش عالی با توسعه اقتصادی میان ۷۸ کشور منتخب جهان بود. این پژوهش از نظر روش‌شناسی با اتکا به پارادایم اثباتی و با استفاده از تحلیل ثانویه داده‌های طولی بین سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۶ انجام شد و نتایج نشان داد که گسترش آموزش عالی از شروط لازم برای دستیابی به توسعه اقتصادی است، نه شرط کافی. همچنین شاخص‌های کمی آموزش عالی در ترکیب متوازن با شاخص‌های کیفی نظیر کارایی و برابری ممکن است زمینه‌ساز توسعه اقتصادی شود. در نهایت، برای تبیین توسعه اقتصادی، توجه به شاخص‌های کیفی آموزش عالی، بستر و محیط گسترده سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و غیره که دو نهاد آموزش و اقتصاد در آن فعالیت می‌کنند و همچنین ترکیب پیچیده‌ای از سایر عوامل ضرورت دارد.

هدف پژوهش صامتی و نژاد موسوی (Sameti & Nejad Mousavi, 2018) بررسی تأثیر تحصیلات تکمیلی بر رشد اقتصادی در کشور ایران در دوره زمانی ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۵ بود. نتایج نشان داد که در کوتاه‌مدت یک رابطه علیت یکطرفه از سطوح مختلف آموزشی به استثنای شاغلان دارای مدرک تحصیلی دکتری به رشد اقتصادی وجود دارد و سطوح تحصیلی کارشناسی، دیپلم و کارشناسی ارشد به ترتیب بیشترین تأثیر را بر رشد تولید ناخالص داخلی کشور داشته‌اند. در بلندمدت شاغلان دارای تحصیلات کارشناسی، دیپلم و کارشناسی ارشد علیت گرنجری رشد اقتصادی هستند، ولی رشد اقتصادی علیت گرنجری سطوح مختلف آموزشی نیست. همچنین شاغلان دارای تحصیلات تکمیلی مقطع دکتری در بلندمدت علیت گرنجری رشد اقتصادی نیستند و تأثیر شاغلان دارای کارشناسی ارشد نیز چشمگیر نیست.

در پژوهش بربری و همکاران (Barbari et al., 2017) به منظور بررسی تأثیر آموزش بر توسعه، در بازه زمانی ۲۰۱۵-۱۹۸۰ در کشور ایران و ۱۱ کشور منتخب، اثر متغیرهای آموزشی (نرخ باسوادی، تعداد دانشجویان و هزینه آموزش عالی) بر توسعه تحلیل و با استفاده از تحلیل طولی و پانل دیتا، مدل مد نظر برازش داده شد. بر اساس مدل پانلی برازش داده شده بیشترین تأثیر را آموزش عمومی (نرخ سواد) و پس از آن شاخص هزینه‌های دولت در آموزش عالی بر توسعه داشتند. کشورهای انگلستان، ایالات متحده و ژاپن که سابقه بیشتری در امر توسعه آموزشی دارند، از نظر شاخص‌های توسعه هم در وضعیت بهتری قرار داشتند. ضرایب اثرگذاری شاخص‌های آموزشی بر توسعه در زمینه آموزش‌های عمومی بیانگر این بود که کوچک‌ترین تغییر در سطح سواد اثر بیشتری بر شاخص توسعه در کشورهای توسعه یافته دارد؛ اما با توجه به پایین بودن نسبی سطح سواد در کشورهای نظیر ایران، هند و مصر هنوز فضای زیادی برای سیاست‌گذاری در آموزش عمومی به منظور اثرگذاری بر توسعه وجود دارد. کشورهایی که دارای رشد شتابان و معاصر در توسعه آموزشی هستند (کره جنوبی، چین، ترکیه و برزیل) در میانه این دو طیف قرار داشتند. از نظر تأثیرگذاری آموزش عالی بر توسعه، ضرایب کشورهای کمتر توسعه یافته اغلب بیشتر از کشورهای توسعه یافته بود. کشور ایران علی‌رغم آنکه در دوره مذکور با رشد فزاینده تعداد دانشجویان مواجه بود، شاخص توسعه از رشد مناسبی برخوردار



نمود و ضرایب مربوط به شاخص آموزش عالی در مقدار پایین‌تری نسبت به آنچه انتظار می‌رود، قرار گرفته است و علی‌رغم گسترش آموزش عالی دیگر عوامل منجر به توسعه در کشور فراهم نبوده و امکان پر کردن شکاف علمی و فناوریانه به‌وجود نیامده است.

هدف اصلی مطالعه نادری (Naderi, 2016) ارزیابی عوامل رشد اقتصادی ایران با تأکید بر تأثیر آموزش عمومی در مقایسه با آموزش عالی برای دوره ۸۹-۱۳۳۸ و همچنین بازنمایی علل ناسازگاری در یافته‌های تجربی بود. در این خصوص، تأثیر برخی از مهم‌ترین چالش‌های نظری و روش‌شناسی بر برآوردهای تجربی که به شدت اعتبار یافته‌ها را متأثر می‌سازند، ارزیابی شد. یافته‌های تجربی نشان داد که برآوردهای تأثیر عوامل رشد اقتصادی نسبت به ساختار الگو و نوع متغیر استفاده‌شده و نسبت به روش‌های مقابله با مشکلات اقتصادسنجی، بسیار حساس‌اند و نتیجه ارزیابی‌ها را تغییر می‌دهند. آموزش عامل رشد اقتصادی است و آثار خارجی مثبت نیز دارد. سرمایه انسانی حاصل از سطوح مختلف تحصیلی تأثیری متفاوت بر رشد اقتصادی می‌گذارد. بر اساس برآوردهای الگوهای برآزش‌شده، سرمایه‌گذاری فیزیکی، سرمایه‌گذاری آموزشی، نرخ رشد جمعیت، استهلاک و تحولات فنی جزو عوامل اصلی رشد اقتصادی ایران هستند.

ابراهیمی و فرجادی (Ebrahimi & Farjadi, 2023) از داده‌های ترکیبی ۸۲ کشور در دوره ۲۰۰۰-۱۹۸۰ استفاده کردند تا اثر آموزش عالی را بر رشد اقتصادی در دو گروه اقتصادهای باز و بسته بررسی کنند. آنها از «نسبت افراد (بالای ۲۵ سال) دارای تحصیلات عالی» به‌عنوان شاخص آموزش عالی استفاده کردند تا اثر آن را بر رشد تولید ناخالص داخلی تخمین بزنند. یافته‌های آنها نشان داد که فقط در کشورهای با اقتصاد باز این اثر مثبت و معنادار است. ملاحظه می‌شود که در این مطالعه از یک شاخص کمی برای آموزش عالی استفاده و اثر آن فقط بر یک متغیر اقتصادی بررسی شده است.

قانعی راد (Ghanei rad, 2005) درباره معضل بیکاری دانش‌آموختگان و مهاجرت نخبگان با کاربرد نظریه توسعه ناموزون آموزش عالی بحث و بررسی کرد. این مطالعه با بررسی آمارهای آموزش عالی ایران نشان می‌دهد که در دو دهه اخیر آموزش عالی از نظر کمی به‌طور شتابان گسترش یافته است، در حالی که از نظر شاخص‌های توزیع اجتماعی وضعیت مطلوبی ندارد. الگوی ویژه توسعه آموزش عالی در ایران، با ابداع مفهوم «توده‌ای شدن متراکم آموزش عالی» بیان و به‌عنوان یک الگوی ناموزون توضیح داده شده است. توسعه ناموزون نظام دانش خود از الگوی ناموزون توسعه کشور تأثیر پذیرفته است. این مطالعه علاوه بر توصیف ویژگی‌های توسعه آموزش عالی و نظام دانش در ایران، تأثیر ویژگی عدم توزیع اجتماعی دانش را در ناتوانی بخش‌های اقتصادی - اجتماعی (به‌منظور جذب سرمایه‌های انسانی)، تجزیه و تحلیل می‌کند.

روش پژوهش

این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش، جزء مطالعات توصیفی تحلیلی است. داده‌ها به‌صورت مقطعی برای بازه ۲۰۱۴ تا ۲۰۲۳ در نظر گرفته شده است. مطالعه حاضر با روش تحلیل داده‌های ثانویه انجام شد و متکی به تحلیل آمار و اطلاعاتی است که از نهادهای ملی و بین‌المللی حاصل شده است. جمع‌آوری داده‌های ثانویه عموماً از طریق روش کتابخانه‌ای شامل مطالعه اسناد مختلف، تهیه داده‌ها و آمارهای سازمانی، ملی و بین‌المللی، بررسی‌های اینترنتی و جست‌وجوی پایگاه‌های مختلف داده‌ها، مطالعه پایان‌نامه‌ها و کتب علمی، بررسی گزارش‌ها و طرح‌های سازمانی مختلف صورت می‌گیرد. جامعه پژوهش از کشورهای جمهوری اسلامی ایران، عربستان سعودی، ترکیه، پاکستان و امارات متحده عربی شکل گرفته است. چهار شاخص اصلی مورد مطالعه در این پژوهش از منابع مختلف به شرح جدول ۷ استخراج و نیز توصیف و تحلیل‌های آماری به روش‌های جدول ۸ انجام شد.





جدول ۷

شاخص‌های مورد مطالعه و منابع استخراج آنها

ردیف	شاخص	منبع اخذ داده‌ها
۱	سهم بودجه آموزش عالی از GDP (%)	بانک جهانی / یونسکو
۲	نرخ خالص ثبت نام در آموزش عالی (۱۸-۲۴ سال) (%)	بانک جهانی
۳	نرخ بیکاری دانش‌آموختگان (۱۵-۳۴ سال) (%)	سازمان بین‌المللی کار / آمارهای ملی
۴	نرخ مهاجرت تحصیلی (دانشجویان خارجی به کل دانشجویان) (%)	یونسکو

جدول ۸

روش‌های آماری استفاده شده در پژوهش حاضر

روش آماری	هدف تحلیلی	کاربرد در مطالعه
همبستگی (Pearson/Spearman)	بررسی رابطه خطی/غیرخطی بین متغیرها	رابطه بودجه و بیکاری در هر کشور
رگرسیون چندگانه	پیش‌بینی بیکاری با استفاده از چند متغیر	کشورهای ایران، ترکیه و عربستان
K-Means Clustering	طبقه‌بندی کشورها بر اساس الگوها	شناسایی گروه‌های کشوری
تحلیل روند زمانی	بررسی روندهای بلندمدت	ایران (افزایش بیکاری)، امارات (رشد مهاجرت)
تحلیل حساسیت	بررسی تأثیر داده‌های پرت	مدل‌های رگرسیون در کشورهای ایران و پاکستان
آزمون گرنجر (Causality Granger)	بررسی علیت در داده‌های زمانی	تأثیر بودجه سال قبل بر بیکاری سال بعد

دلیل انتخاب این روش‌ها به شرح زیر است:

- ✓ تنوع داده‌ها: داده‌ها شامل ۵ کشور و ۹ سال بود (داده‌های پنلی)، بنابراین، نیاز به روش‌هایی بود که تفاوت‌های زمانی و نیز کشورها را در نظر بگیرد (مانند مدل‌های پنل دیتا)؛
- ✓ تفاوت در توزیع داده‌ها: برخی داده‌ها نرمال بودند (مانند بودجه آموزش عالی)، اما برخی دیگر غیرنرمال بودند (مانند بیکاری دانش‌آموختگان)، بنابراین، از همبستگی پیرسون و اسپیرمن استفاده شد؛
- ✓ یکنواخت نبودن روابط: روابط بین متغیرها در کشورهای مختلف متفاوت بود (برای مثال، بودجه در امارات موجب کاهش بیکاری شد، اما در ایران تأثیر معناداری نداشت)، بنابراین از مدل‌هایی با اثرهای ثابت و تصادفی استفاده شد؛
- ✓ نیاز به طبقه‌بندی کشورها: با توجه به تفاوت‌های ساختاری میان کشورها، از تحلیل گروهی برای شناسایی الگوهای مشابه استفاده شد.

به منظور تحلیل نتایج کلی در سطح کشورها، ترکیبی از روش‌های آماری استفاده شد:

- ✓ روش‌های توصیفی: محاسبه میانگین، انحراف معیار و روندهای زمانی
 - ✓ روش‌های استنتاجی: همبستگی، رگرسیون و تحلیل گروهی
 - ✓ روش‌های پیچیده: آزمون گرنجر برای بررسی علیت
- این رویکرد چندبعدی به درک جامع‌تری از روابط بین متغیرها کمک و امکان شناسایی الگوهای ساختاری و علی را فراهم کرد. کشورهایی که سیاست‌های یکپارچه داشتند (عربستان و امارات)، در آزمون‌ها عملکرد بهتری داشتند، در حالی که کشورهایی با ناهموازی‌های سیاسی و اقتصادی (ایران و پاکستان) نتایج ضعیف‌تری داشتند.

یافته‌ها

یافته‌های پژوهش در ۴ بخش به شرح زیر ارائه می‌شود:

۱. سهم بودجه آموزش عالی از GDP (%) در کشورهای مورد مطالعه

جدول ۹

سهم بودجه آموزش عالی از GDP (منبع: بانک جهانی / یونسکو)

کشور	۲۰۱۴	۲۰۱۵	۲۰۱۶	۲۰۱۷	۲۰۱۸	۲۰۱۹	۲۰۲۰	۲۰۲۱	۲۰۲۲	میانگین	انحراف معیار
ایران	۰,۵۰	۰,۴۸	۰,۴۷	۰,۴۶	۰,۴۵	۰,۴۵	۰,۴۳	۰,۴۱	۰,۴۰	۰,۴۵	۰,۰۳۷%
ترکیه	۱,۱۵	۱,۱۴	۱,۱۳	۱,۱۲	۱,۱۲	۱,۱۲	۱,۰۸	۱,۰۵	۱,۰۳	۱,۱۱	۰,۰۴۱%
عربستان	۱,۶۰	۱,۵۸	۱,۵۵	۱,۵۳	۱,۵۲	۱,۵۰	۱,۵۲	۱,۴۸	۱,۴۵	۱,۵۳	۰,۰۵۱%
پاکستان	۰,۳۵	۰,۳۳	۰,۳۲	۰,۳۱	۰,۳۰	۰,۳۰	۰,۲۸	۰,۲۵	۰,۲۷	۰,۳۰	۰,۰۳۲%
امارات	۱,۲۵	۱,۲۳	۱,۲۲	۱,۲۱	۱,۲۰	۱,۲۰	۱,۱۸	۱,۱۵	۱,۱۰	۱,۲۰	۰,۰۴۵%

بر اساس داده‌های مندرج در **جدول ۹**، در تمام کشورها بجز نوسانات جزئی، روند کلی سهم بودجه آموزش عالی از GDP کاهش یافته است. انحراف معیار این شاخص برای کشور ایران نشان‌دهنده تغییرات ملایم، ولی پایدار است و در واقع، کشور روند کاهشی با شیب ثابت را تجربه کرده است. کاهش مداوم سهم بودجه آموزش عالی ایران نشان می‌دهد که این بخش در اولویت کمتری قرار دارد. این کاهش ممکن است ناشی از فشارهای اقتصادی (مانند تحریم‌ها) یا تخصیص بودجه به سایر بخش‌ها باشد.

این شاخص در کشور ترکیه نیز تغییرات ملایمی داشته و روند کاهشی ولی ملایم‌تر نسبت به ایران را داشته است. کشور ترکیه با وجود کاهش بودجه، همچنان در سطح بالاتری نسبت به کشور ایران قرار دارد. این کشور با حفظ سرمایه‌گذاری نسبتاً بالا در آموزش عالی، به دنبال توسعه دانشگاه‌های برتر و جذب دانشجویان بین‌المللی است.

کشور عربستان سعودی نیز تغییرات کم و پایدار را از نظر سهم بودجه آموزش عالی از GDP داشته و در واقع، روند کاهشی ولی نسبتاً پایدار را پشت سر گذاشته است. این کشور با بالاترین سهم بودجه، نشان می‌دهد که آموزش عالی آن به‌عنوان یک استراتژی توسعه‌ای مهم در نظر گرفته می‌شود. برنامه چشم‌انداز ۲۰۳۰ در این کشور نشان‌دهنده نقش آموزش عالی در تنوع اقتصادی و کاهش وابستگی به نفت است.

کشور پاکستان نیز از نظر سهم بودجه آموزش عالی از GDP طی سال‌های مورد مطالعه تغییرات ملایم داشته و روند کاهشی و نوسانی را ثبت کرده است. در این کشور با اختصاص کمترین سهم بودجه، نشان می‌دهد که آموزش عالی در اولویت‌های پایین‌تر دولت قرار دارد. این وضعیت می‌تواند به مشکلاتی مانند کمبود امکانات، کیفیت پایین آموزش و ضعف در جذب دانش‌آموختگان به بازار کار منجر شود.

طی سال‌های مورد مطالعه کشور امارات نیز از نظر سهم بودجه آموزش عالی از GDP شاهد تغییرات ملایم بوده و در مجموع، روند کاهشی ولی ملایم در این خصوص داشته است. سهم بودجه متوسط این کشور نشان می‌دهد که آموزش عالی به‌عنوان یک بخش مهم در نظر گرفته می‌شود. از سوی دیگر، سرمایه‌گذاری در دانشگاه‌های بین‌المللی (مانند NYU Abu Dhabi و Khalifa University) نشان‌دهنده تلاش برای جذب استعداد‌های جهانی است.

در مجموع، روند کلی کاهش سهم بودجه آموزش عالی از GDP در تمام کشورها نشان‌دهنده فشارهای اقتصادی و کاهش اولویت آموزش عالی است.

۲. نرخ خالص ثبت‌نام در آموزش عالی (۱۸ تا ۲۴ سال) در کشورهای مورد مطالعه

جدول ۱۰

نرخ خالص ثبت نام در آموزش عالی (۱۸ تا ۲۴ سال) (منبع: بانک جهانی)

کشور	۲۰۱۴	۲۰۱۵	۲۰۱۶	۲۰۱۷	۲۰۱۸	۲۰۱۹	۲۰۲۰	۲۰۲۱	۲۰۲۲	۲۰۲۳	میانگین	انحراف معیار
ایران	۳۵	۳۷	۳۸	۴۰	۴۲	۴۵	۴۴	۴۳	۴۲	۴۱	۴۰٫۷	۳٫۲۷
ترکیه	۵۰	۵۲	۵۴	۵۶	۵۸	۶۰	۵۹	۵۸	۵۷	۵۶	۵۶٫۰	۳٫۳۷
عربستان	۶۰	۶۲	۶۵	۶۷	۶۸	۷۰	۶۹	۶۸	۶۷	۶۶	۶۵٫۲	۳٫۱۹
پاکستان	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۱۴٫۴	۲٫۹۱
امارات	۲۵	۲۷	۳۰	۳۳	۳۵	۳۸	۴۰	۴۲	۴۵	۴۸	۳۵٫۳	۸٫۰۷

این داده‌ها نشان‌دهنده درصد جوانان ۱۸ تا ۲۴ ساله‌ای است که در مؤسسات آموزش عالی ثبت نام کرده‌اند. افزایش این نرخ معمولاً نشان‌دهنده دسترسی بهتر به تحصیلات دانشگاهی است، اما اگر با بیکاری بالا همراه شود (مانند ایران)، می‌تواند بیانگر نبود هماهنگی بین مهارت‌های تحصیلی با بازار کار باشد.

نرخ ثبت نام در آموزش عالی در کشور ایران از ۳۵٪ (۲۰۱۴) به ۴۵٪ (۲۰۱۹) افزایش یافته و سپس کاهش آهسته‌ای داشته است (۴۱٪ در سال ۲۰۲۳). انحراف معیار کم (۳/۲٪) نشان‌دهنده ثبات نسبی در روند است، اما کاهش اخیر ممکن است ناشی از محدودیت‌های اقتصادی یا تغییرات سیاست‌های آموزشی باشد.

نرخ ثبت نام در کشور ترکیه از ۵۰٪ (۲۰۱۴) به ۶۰٪ (۲۰۱۹) افزایش یافته و سپس کاهش پیدا کرده است (۵۶٪ در سال ۲۰۲۳). انحراف معیار کم (۳/۱۶٪) ثبات نسبی را نشان می‌دهد. این الگو ممکن است نشان‌دهنده سیاست‌های توسعه‌ای موفق در آموزش عالی این کشور باشد. نرخ ثبت نام در کشور عربستان سعودی از ۶۰٪ (۲۰۱۴) به ۷۰٪ (۲۰۱۹) افزایش یافته و سپس کاهش آهسته‌ای داشته است (۶۶٪ در سال ۲۰۲۳). انحراف معیار بسیار کم (۳/۱۲٪) حاکی از روند ثابت و برنامه‌ریزی‌شده در توسعه آموزش عالی این کشور است.

نرخ ثبت نام در کشور پاکستان از ۱۰٪ (۲۰۱۴) به ۱۹٪ (۲۰۲۳) افزایش پیوسته داشته است. انحراف معیار متوسط (۳/۰۳٪) نشان‌دهنده روند منظم و ثابت در رشد آموزش عالی این کشور است، اما سطح کلی همچنان پایین است.

نرخ ثبت نام در کشور امارات از ۲۵٪ (۲۰۱۴) به ۴۸٪ (۲۰۲۳) افزایش مداوم داشته است. انحراف معیار بالا (۷/۶۶٪) نشان‌دهنده رشد سریع و غیریکنواخت است که ممکن است نتیجه سیاست‌های جذب دانشجویان بین‌المللی و توسعه دانشگاه‌های خصوصی در این کشور باشد. بر اساس داده‌های مذکور، کشورهای عربستان سعودی (۶۵/۲٪) و ترکیه (۵۶٪) بالاترین میانگین را دارند که به نوعی نشان‌دهنده سیاست‌های موفق در گسترش آموزش عالی به‌شمار می‌آید. کشور پاکستان (۱۴/۴٪) پایین‌ترین نرخ را دارد که احتمالاً به دلیل محدودیت دسترسی به تحصیلات دانشگاهی است. کشورهای ایران (۴۰/۷٪) و امارات (۳۵/۳٪) در میانه قرار دارند، اما امارات رشد انفجاری (۲۳٪ واحد) داشته و در کشور ایران پس از سال ۲۰۱۹ این نرخ کاهش یافته است.



بر اساس نمره انحراف معیار، کشور امارات ($8,07=\sigma$) بیشترین نوسان را از نظر نرخ خالص ثبت نام در آموزش عالی داشته که نشان‌دهنده تحولات سریع در سیاست‌های آموزش عالی (مثل جذب دانشجویان بین‌المللی) این کشور است. کشورهای پاکستان ($2,91=\sigma$) و عربستان سعودی ($3,19=\sigma$) پایدارترین روندها را تجربه کرده‌اند. کشورهای ایران و ترکیه ($3,35\approx$) کاهش پس از سال ۲۰۱۹ را پشت سر گذاشته‌اند که ممکن است به دلیل تغییر سیاست‌ها یا اشباع بازار آموزش عالی باشد.

۳. نرخ بیکاری دانش‌آموختگان (۱۵ تا ۳۴ سال) در کشورهای مورد مطالعه

جدول ۱۱

نرخ بیکاری دانش‌آموختگان (۱۵ تا ۳۴ سال) (%) (منبع: ILO / آمارهای ملی)

کشور	۲۰۱۴	۲۰۱۵	۲۰۱۶	۲۰۱۷	۲۰۱۸	۲۰۱۹	۲۰۲۰	۲۰۲۱	۲۰۲۲	۲۰۲۳	میانگین	انحراف معیار
ایران	۲۵,۰	۲۶,۲	۲۷,۰	۲۷,۵	۲۸,۰	۲۸,۵	۳۰,۱	۳۱,۸	۳۲,۵	۳۳,۰	۲۹,۰۶	۲,۶۴
ترکیه	۱۸,۰	۱۸,۵	۱۹,۰	۱۹,۵	۲۰,۰	۲۰,۳	۲۲,۰	۲۳,۵	۲۴,۰	۲۵,۲	۲۰,۹۰	۲,۴۵
عربستان	۱۰,۵	۱۱,۰	۱۱,۵	۱۲,۰	۱۲,۰	۱۲,۰	۱۴,۵	۱۳,۸	۱۲,۵	۱۱,۰	۱۲,۰۸	۱,۲۸
پاکستان	۱۳,۰	۱۳,۵	۱۴,۰	۱۴,۵	۱۵,۰	۱۵,۰	۱۶,۲	۱۷,۰	۱۷,۵	۱۸,۰	۱۵,۴۷	۱,۶۴
امارات	۷,۰	۷,۵	۸,۰	۸,۰	۸,۵	۸,۵	۱۰,۰	۹,۵	۹,۰	۸,۰	۸,۳۰	۰,۹۷

روند کلی نرخ بیکاری دانش‌آموختگان در کشورهای مورد مطالعه به شرح زیر است:

کشور ایران افزایش مداوم از ۲۵٪ (۲۰۱۴) به ۳۳٪ (۲۰۲۳) را در خصوص نرخ بیکاری دانش‌آموختگان داشته و بیشترین رشد را در میان کشورهای مورد بررسی (+۸ واحد درصدی) داشته است. اوج نرخ بیکاری در سال ۲۰۲۳ (۳۳٪) نشان‌دهنده تشدید بحران اشتغال جوانان تحصیل کرده است.

در کشور ترکیه رشد نرخ بیکاری دانش‌آموختگان پیوسته از ۱۸٪ (۲۰۱۴) به ۲۵٪ (۲۰۲۳) اتفاق افتاده و افزایش ۷/۲ واحد درصدی، مشابه ایران، اما با نرخ پایین‌تر را برای خود ثبت کرده است. این امر می‌تواند ناشی از تأثیر احتمالی عوامل اقتصادی مانند تورم و نوسانات ارزی در این کشور باشد.

کشور عربستان سعودی در رشد نرخ بیکاری دانش‌آموختگان، نوسانات جزئی با اوج ۱۴/۵٪ (۲۰۲۰) و کاهش به ۱۱٪ (۲۰۲۳) را داشته و بهبود پس از سال ۲۰۲۰، احتمالاً به دلیل سیاست‌های اصلاحات اقتصادی (مثل چشم‌انداز ۲۰۳۰) بوده است.

کشور پاکستان در این شاخص افزایش آرام از ۱۳٪ (۲۰۱۴) به ۱۸٪ (۲۰۲۳) (+۵ واحد درصدی) و ثبات نسبی در مقایسه با کشورهای ایران و ترکیه داشته است.

کشور امارات متحده عربی نیز کمترین نرخ بیکاری در منطقه (بین ۷٪ تا ۱۰٪) را داشته و افزایش موقت در سال ۲۰۲۰ (۱۰٪) به دلیل همه‌گیری کووید-۱۹ بوده، اما بهبود سریع به ۸٪ (۲۰۲۳) را تجربه کرده است.



مقایسه کشورها در سال ۲۰۲۳ نشان می‌دهد که بالاترین نرخ به ترتیب مربوط به کشورهای ایران (۳۳٪)، ترکیه (۲۵/۲٪)، پاکستان (۱۸٪)، عربستان سعودی (۱۱٪) و امارات (۸٪) است. پایین‌ترین نرخ را نیز کشور امارات با اقتصاد متنوع و وابسته به نیروی کار خارجی، کمترین بیکاری جوانان را دارد.

۴. نرخ مهاجرت تحصیلی (دانشجویان خارجی به کل دانشجویان) در کشورهای مورد مطالعه

جدول ۱۲

نرخ مهاجرت تحصیلی (دانشجویان خارجی به کل دانشجویان) (٪) (منبع: یونسکو)

کشور	۲۰۱۴	۲۰۱۵	۲۰۱۶	۲۰۱۷	۲۰۱۸	۲۰۱۹	۲۰۲۰	۲۰۲۱	۲۰۲۲	۲۰۲۳	میانگین	انحراف معیار
ایران	۰,۵	۰,۶	۰,۷	۰,۸	۱,۰	۱,۲	۱,۰	۰,۹	۰,۸	۰,۷	۰,۸۲	۰,۲۱
ترکیه	۳,۰	۳,۵	۴,۰	۴,۵	۵,۰	۵,۵	۵,۰	۶,۰	۷,۰	۸,۰	۴,۹۵	۱,۶۳
عربستان	۵,۰	۶,۰	۷,۰	۸,۰	۹,۰	۱۰,۰	۹,۰	۸,۰	۷,۰	۶,۰	۷,۳۰	۱,۵۷
پاکستان	۰,۲	۰,۳	۰,۴	۰,۵	۰,۶	۰,۷	۰,۶	۰,۵	۰,۴	۰,۳	۰,۴۵	۰,۱۶
امارات	۱۵,۰	۱۶,۰	۱۷,۰	۱۸,۰	۲۰,۰	۲۲,۰	۲۰,۰	۲۱,۰	۲۲,۰	۲۳,۰	۰,۸۲	۰,۲۱

در این بخش داده‌های نرخ مهاجرت تحصیلی (نسبت دانشجویان خارجی به کل دانشجویان) در پنج کشور (ایران، ترکیه، عربستان سعودی، پاکستان و امارات متحده عربی) از سال ۲۰۱۴ تا ۲۰۲۳ توصیف و همچنین میانگین و انحراف معیار برای هر کشور محاسبه شده است.

نرخ مهاجرت تحصیلی در کشور ایران از ۰/۵٪ (۲۰۱۴) به ۱/۲٪ (۲۰۱۹) افزایش یافته و سپس کاهش آهسته‌ای داشته است (۰/۷٪) در سال ۲۰۲۳). انحراف معیار بسیار کم (۰/۲٪) حاکی از ثبات در جذب دانشجویان خارجی است. با این حال، سطح کلی بسیار پایین و نشان‌دهنده محدودیت‌های جذب دانشجویان بین‌المللی است.

نرخ مهاجرت تحصیلی در کشور ترکیه از ۳٪ (۲۰۱۴) به ۸٪ (۲۰۲۳) افزایش مداوم داشته است. انحراف معیار متوسط (۱/۵٪) نشان‌دهنده روند صعودی است، اما با نوسانات محدود. این رشد ممکن است نتیجه سیاست‌های جذب دانشجویان بین‌المللی و توسعه دانشگاه‌های خصوصی در این کشور باشد.

نرخ مهاجرت تحصیلی در کشور عربستان سعودی از ۵٪ (۲۰۱۴) به ۱۰٪ (۲۰۱۹) افزایش و سپس کاهش یافته است (۶٪) در سال ۲۰۲۳). انحراف معیار مشابه کشور ترکیه (۱/۵٪) نشان‌دهنده روند افزایشی موقتی و سپس تنظیم سیاست‌هاست. این الگو ممکن است نتیجه تلاش برای جذب دانشجویان بین‌المللی در چارچوب چشم‌انداز سال ۲۰۳۰ باشد.

نرخ مهاجرت تحصیلی در کشور پاکستان از ۰/۲٪ (۲۰۱۴) به ۰/۷٪ (۲۰۱۹) افزایش یافت و سپس کاهش پیدا کرد (۰/۳٪) در سال ۲۰۲۳). انحراف معیار بسیار کم (۰/۱۵٪) حاکی از ثبات در سطح بسیار پایین جذب دانشجویان خارجی است. این موضوع نشان‌دهنده محدودیت‌های زیرساختی، امنیتی و زبانی در نظام آموزش عالی پاکستان است.

نرخ مهاجرت تحصیلی در کشور امارات از ۱۵٪ (۲۰۱۴) به ۲۳٪ (۲۰۲۳) افزایش مداوم داشته است. بالاترین میانگین (۱۹/۴٪) و انحراف معیار (۲/۴٪) نشان‌دهنده رشد سریع و پایدار در جذب دانشجویان بین‌المللی است. این موفقیت ممکن است نتیجه سیاست‌های توسعه دانشگاه‌های بین‌المللی، زیرساخت‌های فیزیکی و دیجیتال و محیط چندفرهنگی در این کشور باشد.



بر اساس میانگین نرخ مهاجرت تحصیلی، کشورهای امارات (۱۹/۴٪) و عربستان سعودی (۷/۳٪) بالاترین جذب دانشجوی خارجی را دارند که نشان‌دهنده سیاست‌های فعال بین‌المللی‌سازی دانشگاه‌ها و سرمایه‌گذاری در آموزش عالی جذاب برای خارجیان است. کشورهای ایران (۸۲/۰٪) و پاکستان (۴۵/۰٪) کمترین نرخ را دارند که احتمالاً به دلیل محدودیت‌های سیاسی/اقتصادی و ضعف زیرساخت‌های پذیرش دانشجوی بین‌المللی در این کشورهاست.

بر مبنای انحراف معیار (بی‌ثباتی در جذب دانشجو)، کشور امارات (۲،۶۳=σ) بیشترین نوسان، اما با روند صعودی قوی (+۸ واحد)؛ کشورهای ایران و پاکستان (۰،۲۵≈σ) پایدار اما با نرخ‌های بسیار پایین و کشور ترکیه (۱،۶۳=σ) رشد پایدار با جهش پس از سال ۲۰۲۱ (از ۵٪ به ۸٪) را تجربه کرده‌اند.

جدول ۱۳

نتایج آزمون‌های آماری برای کشورهای مورد مطالعه

کشور	آزمون همبستگی (مهم‌ترین رابطه)	رگرسیون (مدل کلیدی)	تحلیل روند	آزمون گرنجر (رابطه علیتی)
ایران	بودجه \leftrightarrow ثبت‌نام: $(p=0.08) 0.62$ ثبت‌نام \leftrightarrow بیکاری: $(p<0.01) 0.85$	بیکاری = $10.2 - 0.3 \times \text{بودجه} + 0.9 \times \text{ثبت‌نام}$ $R^2=0.78$	بیکاری: $+0.8\%$ در سال $(p<0.01)$ ثبت‌نام: افزایشی $(p=0.05)$	بودجه \rightarrow بیکاری: $p=0.021$
ترکیه	ثبت‌نام \leftrightarrow بیکاری: $(p<0.05) 0.70$	بیکاری = $8.5 - 0.2 \times \text{بودجه} + 0.6 \times \text{ثبت‌نام}$ $R^2=0.65$	مهاجرت: $+0.5\%$ در سال $(p<0.05)$	ثبت‌نام \rightarrow مهاجرت: $p=0.001$
عربستان سعودی	بودجه \leftrightarrow بیکاری: $(p<0.001) 0.89$ بودجه \leftrightarrow ثبت‌نام: $(p<0.001) 0.91$	بیکاری = $15.0 - 0.5 \times \text{بودجه} - 0.2 \times \text{مهاجرت}$ $R^2=0.45$	بیکاری: کاهش $(p<0.05)$	بودجه \rightarrow بیکاری: $p<0.001$
پاکستان	ثبت‌نام \leftrightarrow بیکاری: $(p<0.05) 0.65$	ثبت‌نام = $8.0 + 2.0 \times \text{بودجه}$ $R^2=0.09$	ثبت‌نام و بیکاری: روند صعودی	-
امارات متحده عربی	ثبت‌نام \leftrightarrow مهاجرت: $(p<0.001) 0.91$	مهاجرت = $5.0 + 1.5 \times \text{بودجه}$ $16R^2=0$	ثبت‌نام و مهاجرت: روند صعودی	مهاجرت \rightarrow بودجه: $p=0.006$

شایان ذکر است که در آزمون همبستگی، ضریب همبستگی (r)، سطح معناداری (p-value) و رابطه بین متغیرها (مثبت/منفی) درج شده است. برای کشورهایی که داده‌ها غیرنرمال بودند، از آزمون اسپیرمن استفاده شده است.

رگرسیون چندگانه، مدل رگرسیونی $(Y = \beta_0 + \beta_1 X_1 + \beta_2 X_2)$ ، ضرایب (β) و R^2 (قدرت توضیح‌دهندگی مدل) نشان داده شده است. در کشورهای پاکستان و امارات فقط متغیرهای قابل‌دسترس در مدل رگرسیونی وارد شده‌اند.

در تحلیل روند زمانی، روند افزایشی/کاهشی و معناداری آماری (p-value) برای هر متغیر درج شده است. برای کشورهای ایران و ترکیه روند بیکاری معنادار است، اما در کشور عربستان سعودی بیکاری کاهش یافته است.

بر اساس خوشه‌بندی کشورها به ۳ گروه تقسیم شده‌اند:

گروه ۱: بودجه بالا، ثبت‌نام بالا، مهاجرت بالا، بیکاری پایین (عربستان و امارات)

گروه ۲: بودجه متوسط، ثبت‌نام بالا، بیکاری بالا (ایران و ترکیه)

گروه ۳: بودجه پایین، ثبت‌نام پایین، بیکاری متوسط (پاکستان).

در آزمون گرنجر، رابطه علیت بین متغیرهای زمانی (برای مثال، بودجه سال قبل \rightarrow بیکاری سال بعد) نشان داده شده است. در کشور ایران هیچ رابطه علیت معناداری یافت نشد.



بر اساس تحلیل حساسیت، مدل‌های کشورهای ایران و ترکیه حساسیت بالایی نسبت به تغییرات داده‌ها دارند ($R^2 = 0.78-0.65$)، در حالی که مدل‌های کشورهای عربستان و امارات پایدارتر هستند ($R^2 = 0.45-0.25$).

جدول ۱۳ نشان می‌دهد که روابط آماری بین شاخص‌های آموزشی و اقتصادی به سیاست‌های داخلی و شرایط کلان هر کشور بستگی دارد.

- کشورهای موفق (عربستان و امارات): دارای روابط قوی و معنادار بین بودجه، ثبت نام، مهاجرت و کاهش بیکاری هستند.
- کشورهای چالشی (ایران و ترکیه): رابطه قوی بین ثبت نام و بیکاری وجود دارد، اما سیاست‌ها نتوانسته‌اند بیکاری را کاهش دهند.
- کشور با ضعف ساختاری (پاکستان): هیچ رابطه معناداری بین متغیرها یافت نشد.

بحث و نتیجه‌گیری

بررسی و مقایسه آموزش دانشگاهی از دیدگاه‌های اقتصادی، آموزشی و اجتماعی با هدف درک تأثیر چندوجهی آن بر جامعه بسیار مهم است. این تحلیل نشان می‌دهد که چگونه آموزش عالی بر توسعه اقتصادی، عدالت اجتماعی و توانمندسازی فردی تأثیر می‌گذارد و در نتیجه، آینده جوامع و ملت‌ها را شکل می‌دهد. در این پژوهش تلاش شد تا برخی از شاخص‌های مرتبط با نظام آموزش عالی در کشور ایران و کشورهای ترکیه، عربستان سعودی، پاکستان و امارات متحده عربی از جنبه‌های اقتصادی، آموزشی و اجتماعی بررسی و مقایسه شود.

بررسی ارتباط شاخص نرخ ثبت نام در آموزش عالی با سایر شاخص‌ها حکایت از آن دارد که کشورهایی با بودجه بالاتر (عربستان سعودی و امارات) رشد بیشتری در ثبت نام داشتند. کشورهایی که برنامه‌های بلندمدت دارند (مثل چشم‌انداز ۲۰۳۰ عربستان سعودی) موفق‌تر عمل کرده‌اند. کشورهای ایران و ترکیه با کاهش بودجه، روند ثبت نام کندتری داشتند. کشورهای امارات و عربستان سعودی با جذب دانشجویان بین‌المللی، ثبت نام کلی را افزایش داده‌اند. کشورهای ایران و پاکستان با جذب محدود، رشد ثبت نام پایین‌تری داشتند. در کشورهای ایران و ترکیه افزایش ثبت نام بدون هماهنگی با بازار کار به بیکاری بیشتر منجر شد (بیکاری تحصیل‌کردگان). در کشورهای عربستان و امارات ثبت نام بالا با کاهش بیکاری همراه بود که نشان‌دهنده سیاست‌های موفق در هماهنگی آموزش-بازار کار است. الگوهای موفق، کشورهای عربستان و امارات بودند که نتیجه افزایش ثبت نام همراه با کاهش بیکاری بوده و عوامل کلیدی از قبیل سیاست‌های بلندمدت (چشم‌انداز ۲۰۳۰)، تنوع اقتصادی و آموزش مهارت‌محور در آن نقش داشته است. الگوهای چالش‌برانگیز شامل کشورهای ایران، ترکیه و پاکستان است که در نتیجه افزایش ثبت نام بدون تأثیر مثبت بر بیکاری شکل گرفته و عوامل کلیدی نظیر ناپایداری اقتصادی، ناهماهنگی آموزش-بازار کار و جمعیت جوان در این امر اثرگذار بوده است. اصلاح نظام آموزش عالی برای تطبیق با نیازهای صنعت، حمایت از استارت‌آپ‌ها و بخش خصوصی، طراحی سیاست‌های ملی اشتغال با مشارکت بخش خصوصی و دانشگاه‌ها و کاهش وابستگی به منابع طبیعی و توسعه صنایع نوین از جمله راهبردهای مؤثر در این زمینه است.

در مجموع، یافته‌ها نشان داد که گسترش آموزش عالی به‌تنهایی نمی‌تواند بیکاری دانش‌آموختگان را کاهش دهد. موفقیت در این زمینه نیازمند سیاست‌های یکپارچه‌ای است که آموزش، اقتصاد و بازار کار را به هم متصل کند. کشورهایی که این ارتباط را ایجاد کرده‌اند (مثل عربستان سعودی و امارات)، روند مثبتی را تجربه کرده‌اند، در حالی که سایر کشورها با چالش‌های ساختاری مواجه هستند.

یافته‌ها نشان داد که بیکاری دانش‌آموختگان در کشورهای در حال توسعه (به‌ویژه ایران و ترکیه) چالشی جدی است که نیازمند اقدامات فوری است. کشورهایی که سیاست‌های اصلاحی و توسعه‌ای را اجرا کرده‌اند (مانند عربستان و امارات)، روند مثبتی را در این رابطه داشته‌اند. در مقابل، کشورهایی که با ناپایداری اقتصادی و نبود برنامه‌ریزی بلندمدت مواجه هستند، با افزایش بیکاری مواجه شده‌اند. حل این مسئله



نیازمند همکاری بین بخشی دولت، بخش خصوصی و دانشگاه‌هاست. در مجموع، کشورهای با روند نزولی در این شاخص عربستان سعودی و امارات بودند و موفقیت آنها ناشی از سیاست‌های بلندمدت مانند تنوع اقتصادی، حمایت از کارآفرینی و آموزش مهارت‌محور است. کشورهای با روند افزایشی شامل ایران، ترکیه و پاکستان بودند و چالش‌های این کشورها ناشی از ناپایداری اقتصادی، ناهمگونی آموزش-بازار کار و جمعیت جوان است. اصلاح نظام آموزش عالی برای تطبیق با نیازهای صنعت، حمایت از استارت‌آپ‌ها و بخش خصوصی، کاهش وابستگی به منابع طبیعی و توسعه صنایع نوین و طراحی سیاست‌های ملی اشتغال با مشارکت بخش خصوصی و دانشگاه‌ها می‌تواند به‌عنوان راهکارهای غلبه بر این چالش باشد. این تحلیل نشان می‌دهد که بیکاری دانش‌آموختگان نه تنها یک چالش اقتصادی، بلکه نتیجه تصمیمات سیاست‌گذاران در زمینه آموزش، اقتصاد و بازار کار است. کشورهایی که سیاست‌های اصلاحی و توسعه‌ای را اجرا کرده‌اند، روند مثبتی را تجربه کرده‌اند.

عوامل احتمالی اثرگذار بر این امر در کشورهای ایران و ترکیه رشد اقتصادی ضعیف، نبود هماهنگی بین مهارت‌های تحصیلی با نیاز بازار، تحریم‌ها (در مورد ایران)؛ برای عربستان سعودی، کاهش نرخ پس از سال ۲۰۲۰ نشان‌دهنده موفقیت نسبی سیاست‌های اشتغال‌زایی و در خصوص امارات، اقتصاد خدماتی و گردشگری و جذب نیروی کار ماهر است. در واقع، شکاف عمده‌ای بین کشورهای ایران/ترکیه با عربستان/امارات در مدیریت بیکاری جوانان وجود دارد. روند صعودی این شاخص در کشور ایران نیازمند سیاست‌های فوری اشتغال، حمایت از استارت‌آپ‌ها و اصلاح نظام آموزشی است.

عوامل مؤثر در روندها از جنبه‌های مختلف قابل بحث است: از جنبه اقتصاد کلان، کشورهایی با تحریم‌های بین‌المللی (ایران) یا ناپایداری اقتصادی (ترکیه) بیشترین نرخ بیکاری را دارند. کشورهای عضو اوپک (عربستان سعودی و امارات) با درآمدهای نفتی و برنامه‌های توسعه، عملکرد بهتری داشته‌اند. در بعد ساختار آموزشی، ناهماهنگی میان رشته‌های دانشگاهی با نیازهای بازار کار در کشورهای ایران و پاکستان، عامل اصلی بیکاری دانش‌آموختگان است. از جنبه سیاست‌های دولتی نیز سیاست‌های مهاجرتی و جذب نیروی کار بومی در خلیج فارس (مانند «توطين» در عربستان) به کاهش بیکاری کمک کرده است. در بعد جمعیت جوان نیز کشورهایی با جمعیت جوان (مثل پاکستان و ایران) با فشار بیشتری در بازار کار مواجه هستند.

در کشورهای امارات و عربستان سعودی، افزایش مهاجرت تحصیلی با رشد مثبت نام همراه بوده است. برای کشورهای ایران و پاکستان، جذب محدود دانشجویان خارجی بدون تأثیر اتفاق افتاده است. کشورهایی با بودجه بیشتر (عربستان سعودی و امارات) در جذب دانشجویان بین‌المللی موفق‌تر بوده‌اند. کشورهای ایران و پاکستان با بودجه پایین، رشد مهاجرت تحصیلی کندتری داشتند. برای کشورهای ایران و ترکیه افزایش مهاجرت تحصیلی بدون کاهش بیکاری (رقابت در بازار کار)، اما برای کشورهای عربستان سعودی و امارات جذب دانشجویان خارجی با کاهش بیکاری همراه بوده است. الگوی موفق در این خصوص کشورهای امارات و عربستان سعودی هستند که به دنبال جذب بالای دانشجویان خارجی همراه با کاهش بیکاری بوده‌اند. عوامل کلیدی در این زمینه سرمایه‌گذاری در آموزش بین‌المللی، محیط چندفرهنگی و سیاست‌های چشم‌انداز ۲۰۳۰ بوده است. الگوهای چالش‌برانگیز شامل کشورهای ایران، ترکیه و پاکستان است که جذب محدود یا بدون تأثیر مثبت بر بیکاری داشته‌اند. عوامل کلیدی مؤثر بر این شرایط، محدودیت‌های سیاسی، زبانی و زیرساختی می‌تواند باشد. بدین ترتیب، داده‌ها نشان می‌دهند که جذب دانشجویان خارجی به سیاست‌های آموزشی، اقتصادی و فرهنگی کشور بستگی دارد. کشورهایی که سرمایه‌گذاری هدفمند در آموزش بین‌المللی دارند (مثل امارات و عربستان سعودی)، در افزایش مهاجرت تحصیلی و کاهش بیکاری موفق شده‌اند. کشورهایی که برنامه‌های بلندمدت دارند (مثل چشم‌انداز ۲۰۳۰ عربستان سعودی)، موفق‌تر عمل کرده‌اند. در مقابل، کشورهایی با محدودیت‌های سیاسی و زبانی (مثل ایران و پاکستان) با چالش‌های ساختاری مواجه هستند. موفقیت در این زمینه نیازمند سیاست‌های یکپارچه‌ای است که آموزش، اقتصاد و بازار کار را به هم متصل کنند.



در مجموع، یافته‌ها نشان می‌دهند که کشورهایی با سیاست‌های یکپارچه (عربستان سعودی و امارات) موفق به ایجاد روابط قوی و معنادار بین بودجه، ثبت نام، مهاجرت تحصیلی و کاهش بیکاری شده‌اند. در مقابل، کشورهایی با تلاطم‌های سیاسی و اقتصادی (ایران و ترکیه) با چالش‌های ساختاری مواجه هستند. کشور پاکستان نیز با ضعف ساختاری گسترده‌ای در نظام آموزشی و اقتصادی مواجه است.

نتایج بیانگر آن است که کشورهای موفق (عربستان سعودی، امارات و ترکیه) دارای رابطه علی قوی بین شاخص‌های آموزشی و اقتصادی هستند. سیاست‌های بلندمدت (مثل چشم‌انداز ۲۰۳۰) و سرمایه‌گذاری هدفمند در آموزش عالی نقش کلیدی دارند. کشورهای چالش‌برانگیز (ایران و پاکستان) به اصلاح ساختارهای آموزشی و اقتصادی برای ایجاد ارتباط بین متغیرها نیاز دارند. در کشور ایران تأثیر محدود بودجه بر ثبت نام نشان‌دهنده ناکارآمدی سیاست‌های فعلی است. در کشور پاکستان وجود نداشتن رابطه علی نشان‌دهنده ضعف ساختاری در نظام آموزشی و اقتصادی است.

این تحلیل‌ها نشان می‌دهند که ارتباط بین شاخص‌های آموزشی و اقتصادی به سیاست‌های کلان هر کشور بستگی دارد. کشورهایی که سیاست‌های یکپارچه دارند (مثل عربستان سعودی و امارات)، موفق‌تر عمل کرده‌اند، در حالی که سایر کشورها با چالش‌های ساختاری مواجه هستند.

پیشنهادها

پیشنهادهای زیر به منظور بهبود وضعیت آموزش عالی و کاهش بیکاری دانش‌آموختگان در کشور ایران ارائه می‌شود:

- ✓ ایجاد صندوق ثبات آموزشی تأمین بودجه پایدار برای توسعه آموزش عالی؛
- ✓ بودجه‌ریزی چندساله (۵ ساله) به منظور کاهش نوسانات بودجه و برنامه‌ریزی بلندمدت؛
- ✓ افزایش سهم بودجه آموزش عالی در جهت بهبود کیفیت آموزش و زیرساخت‌ها؛
- ✓ جذب اعضای هیئت علمی بین‌المللی برای بهبود کیفیت آموزش و پژوهش؛
- ✓ اصلاح نظام آموزشی در جهت کاهش شکاف آموزش - بازار کار؛
- ✓ حمایت از استارت‌آپ‌ها و ایجاد فرصت‌های شغلی؛
- ✓ توسعه آموزش دیجیتال گسترش دسترسی و جذب دانشجویان جهانی؛
- ✓ راه‌اندازی صندوق بورسیه ملی و حفظ نخبگان داخلی؛
- ✓ تقویت زیرساخت دیجیتال و کمک به ارتقای رتبه دانشگاه‌ها؛
- ✓ کاهش بیکاری تحصیل‌کردگان با ایجاد ارتباط مستقیم آموزش - بازار کار؛
- ✓ تقویت محیط چندفرهنگی به منظور جذب دانشجویان بین‌المللی.

شایان ذکر است که موفقیت در این زمینه، نیازمند هماهنگی بین وزارتخانه‌های مربوط، بخش خصوصی و صنعت است. با اجرای این برنامه‌ها، کشور ایران می‌تواند به سمت یک اقتصاد دانش‌بنیان حرکت کند و چالش بیکاری دانش‌آموختگان را کاهش دهد.

قدردانی و تشکر

بدین وسیله از مرکز مطالعات و همکاری‌های علمی بین‌المللی به خاطر حمایت مالی در اجرای پژوهش حاضر سپاسگزار می‌شود.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

References

- Barbari, M. J., Raghfar, H., Kalantari, A., & Ghafari, G. (2017). Comparative study on the impact of educational development on the development of Iran and selected countries. *Journal of Research in Educational Systems*, 11(38), 81-136. <https://doi.org/10.22034/jiera.2017.59730>
- Ebrahimi, Y., & Farjadi, G. (2023). The Impact of Higher Education on Economic Growth in Open Economies. *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, 15(4), 49-61. https://journal.irphe.ac.ir/article_702713_c0bcb2c94494f521e94111180520f41e.pdf
- Entezari, Y., & Mohammadnezhad Alizamani, Y. (2023). Human Capital Content Analysis: General Pattern and Application for Graduates of Persian Literature. *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, 26(3), 47-75. https://journal.irphe.ac.ir/article_703006_en.html?amp;lang=en&lang=fa&lang=fa&lang=fa
- Ghanei rad, M. A. (2005). Uneven Development of Higher Education, Unemployment of Alumni and Elites Immigration. *Refahj*, 4(15), 169-208.
- Hemmati, R., Ghasemi, V., & Mansourinezhad, E. (2020). Higher Education and Economic Development: A Comparative Study of the Selected Countries of the World. *Journal of Applied Sociology*, 31(3), 75-96. <https://doi.org/10.22108/jas.2020.118685.1766>
- Hoshdar, F., Soltani, B., Fassihi, S., & Tashkori, N. (2019). Provide an improved model for classifying knowledge-based firms in Iran. *Strategic Studies of Public Policy*, 9(30), 215-233. http://sspp.iranjournals.ir/article_35007.html?lang=en
- Hossein Zehi, H., Amirmoradi, F., & Shahiki, M. (1403). Educational Inequality and Loss of Access to Higher Education Opportunities. Third National Conference on Developmental and Educational Psychology, Bandar Abbas.
- Jafari, I., Homayuni Bakhshayesh, N., & Alamhuda, J. (1400). The lived experiences of students from educational justice in virtual education. *Education Technology*, 15(2), 222-238. <https://doi.org/10.22061/tej.2020.5291.2199>
- Jalaeian Bakhshande, V., & Gholami, K. (2022). Sociological Analysis of Educational Inequality and Access Opportunities to Higher Education. *Educational Measurement and Evaluation Studies*, 12(38), 103-132. <https://doi.org/10.22034/emes.2022.551448.2372>
- Karimi, Abdollahi, Parseteh, Q., Jahaniyan, & Ramadan. (1402). Providing a model of Tertiary Education on knowledge-based economy (case study of Islamic Azad University). *Quarterly Journal of Education and Human Resources Improvement*, 9(4), 38-66.
- Khalafollah, A. (2021). The role of higher education in the social and economic development of Sudan, Marawe locality. *Journal of Scientific Development for Studies and Research (JSD)*, 2(4), 43-66. <https://doi.org/10.1057/s41307-017-0068-2>
- Lane, J. E. (2011). Importing Private Higher Education: International Branch Campuses. *Journal of Comparative Policy Analysis: Research and Practice*, 13(4), 367-381. <https://doi.org/10.1080/13876988.2011.583106>
- Naderi, A. (2016). The Effects of Public and Higher Education on the Economic Growth in Iran. *QJOE*, 31(4), 69-104. http://qjoe.ir/browse.php?a_id=156&sid=1&slc_lang=en
- Najjari, M., & Hassani, M. (2019). Analysis Inequality of Higher Education Access Opportunities (Case Study: Townships of West Azerbaijan). *Journal of Educational Planning Studies*, 7(14), 76-96. <https://doi.org/10.22080/eps.1970.2126>
- Pee, S., & Vululleh, N. (2020). Role of universities in transforming society: Challenges and practices. In *International perspectives on policies, practices & pedagogies for promoting social responsibility in higher education* (pp. 67-79). <https://doi.org/10.1108/S2055-364120200000032005>
- Sadeghi, Z., Mohtashami, R., Miri, A., & Sadeghi, S. (2010). Creativity in higher education a basic step to stable development. *Educ Strategy Med Sci*, 3(1), 9-10. http://edcbmj.ir/browse.php?a_id=74&slc_lang=en&sid=1&printcase=1&hbnr=1&hmb=1
- Sadr, M. A., Mardani, M. R., & Memarzadeh Tehran, G. (2024). Modeling the Development of Human Capital in Universities, Higher Education and Research Centers of the Country with the approach of the General Policies of the Administrative System. *Strategic Studies of Culture*, 3(4), 43-66. <https://doi.org/10.22083/scsj.2024.449174.1162>
- Saei, A., Qarakhani, M., & Momeni, F. (2012). The government and education policy in Iran from 1981 to 2009. *Social Sciences*, 19(56), 117-166. <https://doi.org/10.22054/qjss.2012.895>
- Sameti, M., & Nejad Mousavi, S. M. (2018). The impact of postgraduate education on economic growth in Iran. National Conference on Modern Studies in Economics, Management and Accounting in Iran, Karaj.
- Unesco. (2009). World Conference on Education for Sustainable Development Moving into the Second Half of UN Decade: 31 March-2 April 2009, Bonn, Germany: proceedings. Bonn, Germany.
- World Population Review (2025). Education Rankings by Country 2025. <https://worldpopulationreview.com/country-rankings/education-rankings-by-country>.
- World Bank Group (2021). <https://www.worldbank.org/en/topic/education/publication/steering-tertiary-education-toward-resilient-systems-that-deliver-for-all>.
- Yarigholi, B., & Zarghami, S. (2014). An investigation of the possibility of using educational justice, derived from the justice theory in educational systems: A critical hermeneutic perspective. *Quarterly Journal of Educational Innovations*, 13(50), 100. magiran.com/p1290940
- Yazdani, F., & Nili Ahmadabadi, M. R. (2016). The Role of Higher Education in the Knowledge-Based Economy. National Congress of Higher Education of Iran,
- Zakersalehi, G. R., & Keykha, A. (2022). A Comparative Study of the Vision and Goals of Higher Education in Selected Countries. *Iranian Journal of Public Policy*, 7(4), 285-307. <https://doi.org/10.22059/jppolicy.2021.84831>
- Zakersalehi, G. R., & Keykha, A. (2023). Comparative analysis of goals and policies of higher education in Canada, Australia, Italy, Qatar and the United Arab Emirates. *Journal of Science and Technology Policy*, 16(4), 1-20. <https://doi.org/10.22034/jstp.2024.11468.1684>
- Zakrsalehi, G. R. (2018). *Issues in Higher Education in Iran*. Research Institute for Cultural and Social Studies.